

بررسی جنبش جمهوری خواهی رضاخان

زمینه‌ها و دلایل ناکامی

سعید عابدی^۱

محمود باهوش فاردقی^۲

چکیده

جمهوری به عنوان یک روش حکومت، یا اداره حکومت است که در سده‌های هیجدهم و نوزدهم در غالب دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم مطرح شده است. پیشینه جمهوری خواهی به دوران پیش از مشروطیت باز می‌گردد که می‌توان در آراء اشخاصی چون طالبوف ملکم خان و غیره می‌توان آن را جست. رضا خان که پس از استعفای مشیرالدوله و خروج قوام السلطنه زمینه را برای رسیدن به مقام نخست وزیری مناسب می‌دید؛ در صدد برآمد که به شیوه آتاتورک مصطفی کمال پاشا رژیم جمهوری را تأسیس و خود را به ریاست جمهوری انتخاب شود. این در حالی بود که او ضاع آشفته کشور و فقدان امنیت و آرزوی مردم مبنی بر ظهور یک منجی برای نجات کشور از نابسامانی‌ها که پس از مشروطیت به این سو برفضای اجتماعی و سیاسی کشور سایه انداخته بود، نیاز به روی کار آوردن یک حکومت مرکزی توانمند در ایران به شدت احساس می‌شد. سؤال این پژوهش این بود که جنبش جمهوری خواهی رضاخانی زمینه‌ها و دلایل آن چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله پیش رو این است که به نظر می‌رسد ناکامی این جنبش از واپس زدن جامع سنتی ایرانی و استفاده ابزاری رضاخان از آن برای کسب قدرت بوده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، رضا خان، جنبش، جمهوری خواهی.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی saeidabedi90@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی bahooshmahmood@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۷

حرکت جمهوری خواهی در زمستان سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در ایران آغاز شد، در روزهای پایانی اسفند اوج گرفت و در فروردین ۱۳۰۳ به خاموشی گرایید. این نخستین بار بود که نظام جمهوری به مثابه جایگزین سلطنت و در کشور به جدیت مطرح شد. شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان، انتخابات مجلس پنجم و تحولات داخلی این مجلس به طرفداری از جمهوری یا مخالفت با آن و همچنین زمینه‌ها و دلایل ناکامی جمهوری خواهی موضوع بررسی این مقاله می‌باشد. منابع اصلی مورد استفاده خاطرات یا نوشته‌های کسانی است که با طرفداری یا مخالفت، مستقیماً در حرکت جمهوری طلبی نقش یا حضور داشتند؛ کسانی مانند ملک الشعراء بهار، یحیی دولت آبادی، مخبرالسلطنه هدایت، عبدالله مستوفی، خواجه نوری، علی دشتی. پیرامون جمهوری رضا خانی کتاب کامل و تمام عیاری تألیف و نشر نیافته است و آنچه در دسترس قرار دارد بیشتر نگاهی کلی دارند و به اجمال کل گویی به این موضوع پرداخته‌اند و برای ورود به بحث از اهمیت بسزای برخوردارند مانند «تشیع و مشروطیت در ایران» نوشته عبدالهادی حائری و همچنین از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بطور نمونه اثر نگارش یافته غلامعباس مصلی نژاد «بنام جمهوری خواهی در ایران» که به حق توانست جوانب موضوع جمهوری خواهی دوره رضاخان را به خوبی بررسی و تحلیل نماید.

تعریف جمهوری

جمهوریت و اصطلاح سیاسی جدید جمهوری به عنوان یکی از اشکال حکومت کردن یا اداره حکومت به شیوه غربیان از اهمیت بسزای برخوردار می‌باشد که در اندیشه‌های فلاسفه و حکمای بزرگ مغرب زمین مانند ارسطو و افلاطون و سپس متفکران سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی منعکس شده است و در غالب



دموکراسی - (دموکراسی) یا حکومت مردم بر مردم مطرح شده بود. (شریف القرشی، ۱۳۶۹: ۱۰۳-۱۰۰) اصطلاح جمهوری به عنوان یک نظام سیاسی، حکومتی دارای معانی زیر می‌باشد.

۱. حکومتی که به وسیله پادشاه یا امپراطور اداره نمی‌شود یعنی؛ اراده یک فرمانروا، حاکم بر سرنوشت ملت نیست.
۲. رژیمی که؛ برخلاف دموکراسی، در آن قدرت مستقیم در دست و تحت نظارت کامل مردم نیست.
۳. هر رژیمی که عملاً یا اسماً متکی به خواست عمومی است.
۴. کلمه جمهوری به مفهوم جدید از فقدان ساطنت و مشارکت عمومی در حکومت سرچشمه می‌گیرد (فونتانا، ۱۳۸۰: ۱۴۴ و ۱۰۹).

پیشینه جمهوری خواهی

گذشته از یونان و روم قدیم که منشاء همه اصلاحات و ترقیات مادی و معنوی و علمی و سیاسی و اجتماعی تاریخ بشر بود، حکومت ملی یا مشروطیت که خواستار نقش قانون و دخالت ملت در حکومت بود، اداره کشور که آن را دموکراسی می‌نامند، اولین بار در انگلستان در اوایل قرن هفتم هـ. ق/سیزدهم میلادی، با اعلام فرمان بزرگ یوهان (جوهن) - پادشاه انگلیس در اواخر سال ۱۲۱۵ م معروف به «ماگناچارتا» هر چند به صورت ناقص یا ابتدایی می‌بود که با دخالت اشراف و اعیان و مقامات روحانی در حکومت و قوانین کشور حکومت مطلق فردی تعدیل شد، منشور آزادی نام گرفت. (مورا، ۱۳۶۶: ۱۲۱) اگر چه این واقعه تحولی کوچک می‌بود. لیکن مهم به شمار می‌آید و به تدریج در انگلستان و سپس اروپا تکامل یافت و حقوق طبقات عالی و روحانی و حقوق عامه در تصویب قانون و مالیات و مسایل دیگر کامل تر شد، و قدرت سلاطین کاهش یافت، این تکامل با افزایش قدرت و اختیارات پارلمان به ویژه مجلس عام

(عوام) در دهه‌های بعد به قلعه کمال رسید. و به درجه ای از کمال دست یافت که در انگلستان همه اختیارات ملکتی غیر امور قضایی منحصرأً به پارلمان واگذار گردید. «... و قدرت پادشاه کاهش یافت و این اندیشه کهن که شاه باید سلطنت کند نه حکومت» رواج یافت. (مورا، ۱۳۶۶: ۱۲۶): باری باید گفت انقلاب انگلستان (۱۶۴۲ م و قیام استقلال طلبی آمریکا و تاسیس حکومت ملی مبتنی برآزادی در ۱۷۷۶ م) (شوئل، ۱۳۶۳: ۱۴۷) و انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ م و انقلاب‌های اروپا در سال‌های ۱۸۳۰-۱۸۴۸ م اساس حکومت ملی بنیان نهادند. با نگارش کتاب‌های چون روح القوانین (مونتسکیو) که نقش و اهمیت ایجاد و استقرار قانون و برتری حکومت دموکراسی و ملی که در آن عامه مردم در سرنوشت سیاسی خویش دربرابر حکومت استبدادی، دخالت داده شوند زمینه ساز بیداری عمومی و انقلاب اجتماعی شد. این اندیشه انقلابی چند سالی پس از انقلاب کبیر فرانسه و دیگر تحولات سیاسی اروپا بتدریج در ممالک شرقی پراکنده شد؛ آثار و نشانه‌های آن نخستین بار در سرزمین‌های تحت نفوذ عثمانی بدلیل ارتباط بیشترشان با مغرب زمین و نتایج آن توسط متفکران متجلی گردید. در عصر تنظیمات که مقدمه دگرگونی‌های نوین مدنی واجتماعی بوده در ایران نیز با تلاش روشنفکرانی مانند میرزا ملکم خان ارمنی و طالبوف و دیگران بازگو شد؛ زمینه ساز تحولات بزرگی که انقلاب مشروطیت ملت ایران با مجاهدت‌های بی دریغ آزادیخواهان در واپسین سال‌های سده سیزدهم شمسی و ربع نخست قرن ۱۴ هـ. ق (۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۰۶ م) با خواسته‌های عدالت خواهانه و نفی اقتدار و اختیارات مطلقه پادشاه قاجار، به سلطه مطلق آنان خاتمه داد. اگرچه بزودی کاستی‌های آن هویدا شد، اما طعم شیرین تدوین قانون و آغاز حکومت مبتنی بر قانون را به کام مردم ایران آورد. پس از این رویداد تاریخی بود که تکان‌هایی بس بزرگ دیگری از جمله انقلاب اکتبر شوروی در ۱۹۱۷ م زمینه ساز تسکین احزاب



سیاسی، نوین، آزادیخواه و برابری خواهانه عدالت جو در ایران گردید. (تقی زاده، ۱۳۶۶: ۳)

طرح اندیشه جمهوریت، برای محدود کردن قدرت حاکمان در پادشاهی بزرگ بود. که از سوی پایه گذاران اصل تفکیک قوا در برابر بی عدالتی‌های که توسط پادشاهان به مردم روا می شد ارائه شد و کوشیدند از این طریق راهی برای انتقال حاکمیت پادشاه رنج آور بر ملت بکشایند؛ پس از رشد تجارت در غرب ارتباط میان ثروت و امنیت؛ حمایت از مالکیت فردی در برابر مداخلات دولتی صورت گرفت و در فرانسه نفرت از اشراف و بورژواها، بی لیاقتی سیاسی خاندان پادشاهی زمینه فروپاشی نظام پادشاهی را فراهم کرد. و راه برای یک راه حل جمهوریخواهانه هموار نمود». (فونتانا، ۱۳۸۰: ۳-۵) ارسطو در کتاب سوم سیاست می گوید: «... حق مشارکت فعال در کلیه تصمیمات سیاسی وجه متمایز شهروندی است که فقط در دوکراسی تمام عیاری از نوع آتنی یافت می شود». (فونتانا، ۱۳۸۰: ۱۲). مونسکیو در روح القوانین پایه اصل حکومت را جمهوری (دموکراسی) می داند و تفاوت و مشخصات جمهوری و سلطنت را بیان کرد و آزادی و مالکیت را وجوه مشخصه جمهوری می داند و در سلطنت، مردم مانند ماهی در یک تور بزرگ هستند یعنی خود را آزاد می پندارند در حالیکه؛ در بند هستند.

جمهوری خواهی پیش از مشروطیت در ایران

گفتمان جمهوری خواهی به عنوان یکی از شاخصه‌های جریان اصلاح طلبی و تحول خواهی در ایران به حدی اهمیت یافت که با ظهور ملکم خان به شیوه‌های خاص بر سر زبان‌ها افتاد و با ایجاد فراموشخانه و شروع فعالیت فراماسونری به عنوان مهم‌ترین تأثیر و نشانه سیاسی افکار جدید غربی ازدوره دوم سلطنت ناصر الدین شاه فصل تازه‌ای را در تاریخ ایران باز کرد و اسباب واکنش‌های تند از سوی حاکمیت

استبدادی ناصری در تقابل با اندیشه الهی بودن مقام سلطنت گردید. از این دوره شاهد طرح ایجاد یک نظام سیاسی جدید به نام حکومت جمهوری از نوع اروپایی آن می‌باشیم افرادی در این دوره کوشیدند ضمن بیان و یا برشمردن مبانی و اساس تمدن نوین غربی به طرح مبانی جمهوری خواهی نیز پردازند؛ از جمله متفکران مورد نظر: ملکم خان، آخوند زاده، میرزا فتحعلی خان و طالبوف تبریزی را نام برد. با طرح اندیشه حکومت جمهوری و جمهوری خواهی در ایران دوره ناصری و رواج شعار ملی آزادی خواهی و حکومت قانون در این دوره شخص ناصرالدین شاه از این اوضاع به شدت نگران شده بود؛ به ویژه پس از آنکه موضوع جمهوریت که از میان اعضای فراموشخانه سرزبان‌ها افتاد و شنیده شد قرار است مجمع آدمیت که آوازه‌اش را ناصرالدین شاه شنیده بود. زمینه را برای ریاست جمهوری جلال‌الدین میرزا^۵ شاهزاده قاجاری، که به محض شیوع این خبرها ناصرالدین شاه به وحشت افتاد و دستور داد فراموشخانه را منحل کنند. (رحمانیان، ۱۳۷۷: ۱۱۲) به گفته حاج سیاح: در دوره ناصری همه مخالفان را به با بیگیری و جمهوری خواهی متهم می‌کردند و حتی در مواردی که عده‌ای را به دلایلی واهی دستگیر می‌شدند تهدید می‌کردند چنانچه از پرداخت مقرری ماموران دولتی و فراشان زندان امتناع نمایند آنان را به بهانه بابیگیری و ترویج افکار جمهوریت و شرابخواری حبس خواهند کرد و مراتب را به مردم اطلاع می‌دهند. (حاج سیاح، بی تا: ۳۵۲) نخستین باری که واژه جمهوری در ایران به کار برده می‌شود هنگام فوت محمد شاه قاجار است. بنا به نوشته جهانگیر میرزا در تاریخ نو در فاصله زمانی پس از مرگ محمد شاه تا اعلام سلطنت ناصرالدین میرزا که از تبریز به تهران انتقال داده شد عده‌ای به قصد تشکیل شورای دولتی شامل رجال بلند پایه برای اداره حکومت جمع شدند که کار حکومت استمرار یابد تا اینکه شاه جدید زمام امور را رسماً در تهران بدست گیرد؛ در این فاصله جمعی از خود خواهان بدست



میرزا نصراله صدر الممالک اجتماع کرده و کنکاش می‌نمایند که باید دولت ایران را جمهور نموده امورات دولتی را منوط به مصلحت دید جمعی باید ساخت. (جهانگیر میرزا، بی تا: ۳۷۲) عباس امانت اظهار کرده است که القای فکر جمهوریت به احتمال زیاد به وزیر مختار فرانسه کنت دوسرتیرباز می‌گردد که طرح همین مساله باعث قطع موقت رابطه میان ایران و فرانسه پس از به قدرت رسیدن ناصر الدین شاه گردید. (امانت، ۱۳۸۳: ۱۶۸) دومین باری که سخن از جمهوری در ایران به میان آمد هنگام انتشار ترجمه‌ای از رساله یا کتابچه‌ای است که در باب قواعد حکمرانی فرانسه در عصر نادری توسط رضا خان ترجمه و منتشر شد. این رساله به قلم ژول ریشار فرانسوی نگارش یافته وی از استادان مدرسه دارالفنون بود. که قبل از تأسیس آن در سال ۱۲۶۰ هـ. ق به ایران آمد و در عصر نادری از اعضای وزارت انطباعات بود. این کتابچه از فرانسه به فارس برگردانده شد و بی شک چاپ و توزیع چنین مکتوبی در میان ایرانیان خالی از تأثیر نبوده است و چندی بعد یک نویسنده ناشناخته در رساله‌ای فارسی در آخرین دهه پیش از مشروطیت از حکومت فردی انتخابی یعنی جمهوری طرفداری کرده است. (امین، بی تا: ۸۶)

جمهوری خواهی از مشروطه تا پهلوی

تا پیش از استقرار حکومتی مبتنی بر قانون، پارلمان یا دموکراسی به تقلید از مغرب زمین که پیش از آن در آراء و اندیشه‌های متفکران و نواندیشان ایرانی منعکس شده بوده و در نهایت در سال ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۴ هـ. ق/ ۱۲۸۵ خورشیدی، با فشار آزادیخواهان واژه مشروطه برای نخستین بار در یک فرمان رسمی محمد علی شاه به کار برده شد؛ زیرا در فرمان مشروطه مظفرالدین شاه لغت مشروطه نیامده بود به همین علت ناچار شد تغییر رژیم ایران را از استبدادی به مشروطیت با ذکر کلمه مشروطه تأیید کند. بنابر این محمد علی شاه در فرمان خود (واژه‌های مشروطه صاحب کنستوسیون را برای

حکومت ایران که با تأسیس مجلس شورای ملی) همراه شده بود به کار ببرد. (حائری، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۵۶) با آشکار شدن مواضع ضد مشروطه محمد علی شاه برخی از روزنامه‌ها با ستایش از حکومت جمهوری به عنوان مشکلی که حق ملت در آن بیشتر رعایت می‌شود. خواستار جایگزین شدن جمهوری به جای پادشاهی شدند و محمد رضا مساوات در فروردین ۱۲۸۷ ش در سر مقاله روزنامه‌اش مساوات با مقایسه شاه با فرعون که خدا او را از میان برداشت این را خواسته مطرح کرد. (اتابکی، ۱۳۸۵: ۷۱-۷۲) و جنبش جمهوری خواه جنگل به رهبری میرزا کوچک خان، قیام جنگل بر مبنای اصول سوسیالیسم شکل گرفته بود. (فخرایی، ۱۳۶۶: ۵۵) و نطفه اولیه شکل گیری قیام به انقلاب بلشویکی روسیه (۱۹۱۷ م) مربوط می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۱۹) در اعلامیه ای که ابتدا منتشر کردند نیت جنبش و قیام را اینگونه بیان کردند «ما قبل هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم، استقلال به تمام معنی کلمه بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی اصطلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی که هر چه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است». (فخرایی، ۱۳۶۶: ۵۲) میرزا و همراهانش نخستین کسانی بودند که موفق به اجراء افکار جمهوری خواهی و قانون خواهی در ایران شدند حتی جمهوری را اعلام و تأسیس کردند و عنوان جمهوری سوسیالیستی بر خود نهادند. (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۲۵) بعد واژه جمهوری در زمان قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز که به گفته احمد کسروی به علت این که مردم با این برنامه همراهی نکردند از آن سر باز زد. (کسروی، ۱۳۷۸: ۱۵۲)

جمهوری خواهی رضاخان، سردار سپه

رضا خان که پس از استعفای مشیرالدوله و خروج یا تبعید قوام السلطنه زمینه را برای رسیدن به مقام نخست وزیری مناسب می‌دید، از سویی اوضاع آشفته کشور و فقدان امنیت، و آرزوی مردم مبنی بر ظهور یک منجی، برای نجات کشور از نابسامانی‌ها که



پس از مشروطیت به این سو، برفضای اجتماعی و سیاسی کشور سایه انداخته بود، نیاز به روی کار آوردن یک حکومت مرکزی توانمند در ایران، به شدت احساس می‌شد. (عاقلی، ۱۳۷۰: ۳۴۴) در چنین شرایطی حامیان رضاخان تبلیغات گسترده‌ای را در کشور به راه انداختند و وی را لایق استقرار حکومتی که توان عملی کردن خواسته‌های مردم و نجات کشور را از نابسامانی دارد معرفی نمودند به علاوه روی کار آمدن نخست وزیران نوبتی عمدتاً ناتوان بر این مساله صحه می‌گذاشت و هر روز علاقه مردم را به رضاخان بیشتر می‌کرد. (میلسپو، ۱۳۵۶: ۱۷۴) و از آنجا که نخست وزیران پیشین، در برابر فشارهای بالقوه انگلستان ضعیف شده بودند و این مساله احتمالاً به نخست وزیر شدن رضاخان کمک کرد. (آپتون، ۱۳۵۶: ۸۴) اقداماتی که رضاخان برای حفظ امنیت در کشور انجام داده بود و ترسی که احمد شاه از وزیر جنگ داشت و علاقه‌ای به ماندن در کشور نداشت و می‌خواست که به بهانه‌ای به اروپا رفته و مدتی در آنجا بیاساید طی دست خطی به رضاخان کسالت مزاجی‌اش را به بهانه قرار داد و قول بازگشت به وطن را پس از رفع نقاهت عارض شده را داد و ضمن انتصاب او به مقام نخست وزیری و گرفتن تعهد حفظ امنیت جانی خود راهی فرنگستان شد و رضاخان به نخست وزیری رسید. (مخبر السلطنه، ۱۳۲۹: ۳۵۹) و در اطلاعیه‌ای مفاد دستخط احمد شاه را به اطلاع عموم ملت اعلام کرد و برای رفع نگرانی شاه و ممانعت از بروز هر گونه خلل احتمالی در پیشبرد برنامه‌هایش که با دریافت حکم ریاست الوزرایی بخش مهم آن عملی گردید و با دقت مواظب رفتارش بود تا شاه از خاک ایران خارج نشده موجب افزایش اطمینان و اعتماد وی گردد. برای همین منظور ضمن دادن تعهد کتبی به احمد شاه با رعایت نهایت احترام او را تا مرز همراهی و درست مطابق با خواسته شاه رفتار کرد؛ زیرا شاه بیش از آن به دلیل هراس از رضا خان و اشکال تراشی احتمالی او دست به دامن سر پرسی لورن وزیر مختار انگلستان در تهران شد تا با اخذ

تعهد کتبی از سردار سپه هنگام عزیمت به اروپا آسیبی به وی نرساند. (وثوق، بی تا: ۲۴) احمد شاه قبل خروج از کشور و واگذاری اختیار حکومت به سردار سپه برای جلب رضایت دولت شوروی نماینده‌ای به سفارت شوروی فرستاد که حاکی از عمق هراس شاه از سردار سپه و قدرت بلامنازع رضاخان در کشور بود و این مسائل به وضوح در نامه‌ای که به سفارت شوروی نوشته بود منعکس گردید و در آن یا اعتراف کرد که به ناچار و از روی ناتوانی در مقابله با او تشکیل کابینه را به وی وا گذاشت؛ زیرا قوه و قدرت در دست اوست و چنانچه زمامداری به فرد دیگری تفویض شود. وزیر جنگ نمی‌گذارد کار کند و تمام اقدامات هر زمامداری را فلج می‌کند. (بصیرالدوله، ۱۳۷۲: ۱۴۲) رضا خان برای تحقق زود هنگام منویات درونی‌اش، و بالا بردن میزان رضایتمندی مردم از قابلیت‌های شخصی‌اش و زمینه سازی برای جلب افکار عمومی دست به اقداماتی در سطح ملی زد و با سرکوب یاغیان و عاملین ناامنی و سران ایلات و قبایل سرکش مانند: اقبال السلطنه ماکویی عامل ناامنی در آذربایجان و فرماندهی سوئدی. شهربانی و ستادها را اخراج کرد و کلیه تشکیلات ژاندارمری را از وزارت داخله به وزارت جنگ انتقال داد و تحت فرمان خود درآورد. اقدام به اصلاحات و نوسازی شهری و تعریض خیابان‌های پایتخت نمود. (شجیعی، ۱۳۴۴: ۱۴۹) و برای تسهیل در مصوبات قانونی در آینده موافق میل و اراده خود انتخابات مجلس پنجم را به سرعت برگزار کرد و با استفاده از ارتش کاملاً مطیع خود و دستکاری در انتخابات در بسیاری از حوزه‌های انتخابی عشایری اکثریت موثری برای احزاب سوسیالیست و تجدد در مجلس جدید (پنجم) فراهم آورد و همین مجلس بود که اصلاحات جدید گسترده‌ای انجام داد قانون نظام وظیفه، لغو القاب اشرافی، و رساندن رضاخان به نخست وزیری، برگزیدن چند وزیر حامی رضاخان مانند فروغی از حزب تجدد را به وزارت خارجه و سلیمان اسکندری را به وزارت معارف، قطع بودجه دربار، الزام مردم





به گرفتن شناسنامه و انتخاب نام خانوادگی و جایگزینی تقویم ایرانی جدید به جای تقویم اسلامی، تصویب مالیات برق‌اند و شکر و چای برای تأمین هزینه کشیدن راه آهن سراسری و به پاس شایستگی رضاخان در سرکوب شیخ خز علی عنوان قانونی فرماندهی کل قوای مسلح را که قانون اساسی در صلاحیت شاه بود به وی واگذار کرد. (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۲) مقارن با این حوادث و همزمان با سفر سوم احمدشاه به اروپا اخباری از ترکیه می‌رسید که حاکی از برچیده شدن نهاد خلافت عثمانی‌ها و اعلام تأسیس حکومت جمهوری به رهبری آتاتورک بود. انتخابات مجلس پنجم با اندکی تأخیر در روز ۱۳ فروردین ۱۳۰۲ ش با اعتراض شدید اقلیت مجلس به رهبری مدرس بابت تأخیر مواجه شد؛ زیرا قرار بود درست سه هفته پیش از خاتمه عمر مجلس چهارم، پایان اسفند ۱۳۰۱ ش اعلام شود با ۱۵ روز تأخیر اعلام گردید، گروه اقلیت نگران این مساله بودند که در صورت مسامحه دولت در عقب انداختن انتخابات و خاتمه عمر مجلس چهارم با دخالت فرماندهان لشکرها در ولایات (غیر تهران) سرنوشت انتخابات تغییر کند و کار به دست وزیر جنگ (رضاخان) بیفتد. (بهار، ۱۳۷۱: ۳۰۳-۳۰۴)

مجلس پنجم و جمهوری خواهی رضاخان

انتخابات مجلس پنجم که «مجلس خلع قاجارها» نام دارد. (بهار، ۱۳۷۱: ۳۰۷) در حکومت مستوفی آغاز و در حکومت {نخست وزیری} مشیرالدوله به پایان رسید. و با حضور احزاب فعال سیاسی، سوسیال دموکرات‌ها به رهبری سلیمان میرزا اسکندری و مدرس که در اقلیت بودند (به نام سوسیالیست‌ها) یا اجتماعيون عاميون و حزب تازه تأسیس تجدد یا اصلاح طلبان که توسط افرادی مانند علی اکبر داور، تیمورتاش و سید محمد تدین به وجود آمده بود رهبری می‌شد و تحت عنوان اکثریت آغاز به کار کرد. حزب تجدد که ابتدا (دموکرات مستقل) نام داشت با دخالت رضاخان

وبه کارگیری نفوذ و قدرت ارتش که اختیار نظارت برانتخابات را به یکی از فرماندهان مطیع و هوادار خود امیر لشکر خدایارخان رئیس کمیته انتخابات تهران و اعضای حزب دموکرات مستقل (تجدد) واگذار کرد و رضاخان به فرماندهان عالی رتبه ارتش دستور داد که طبق فهرستی که از طرف کمیته فرستد می شود انتخابات را هدایت نمایند به گونه ای که نامزدهای مورد نظرشان از صندوقها بیرون آمدند و به مجلس راه یافتند. زیرا رضاخان که تازه رئیس دولت شده بود و شاه نیز در کشور حضور نداشت و وی در سر سودای خلع قاجار را می پروراند قصد داشت مجلس را تحت کنترل کامل خود درآورد. (بهار، ۱۳۷۱: ۲۷-۲۸) مجلس پنجم در نوروز ۱۳۰۳ با سخنرانی ولیعهد گشایش یافت و رضاخان که ریاست دولت را در دست گرفته بود می خواست هرچه زودتر با تصویب لایحه جمهوریت و تأسیس حکومت جمهوری مراسم ویژه نوروز را به نام ریاست جمهوری خود برپا کند. (مکی، ۱۳۵۸: ۵۸۵) جراید مرکز با درج مقالات در هواخواهی از رضاخان و جمهوریت تلگرافهای از ولایات و شهرستانها به امضای توأم با تهدید امرای قشون که جملگی با هدایت و تحریک رضاخان صورت می گرفت حاوی ابراز بیزاری از دودمان قاجار و درخواست استقرار و تأسیس نظام جمهوری بودند به مجلس ارسال گردید. (مکی، ۱۳۵۸: ۵۸۵) حامیان جمهوری در مجلس، فراکسیون تجدد به رهبری سید محمد تدین و سوسیالیستها به رهبری سلیمان اسکندری، گروه اکثریت و مخالفان جمهوری را اقلیت به رهبری مدرس تشکیل می دادند. وعده ای هم به نام حزب ترقی طرفدار سلطنت مشروطه به شرط تغییر احمد شاه که به مشکلات کشور بی اعتنا و به فکر مال اندوزی و عافیت طلبی در فرنگ بسر می برد بودند. (نیک پی، ۱۳۴۷: ۴۸) مدرس و همزمانش در مجلس تمام کوشش خود را در ممانعت از تصویب طرح جمهوری و عملی شدن خواسته رضاخان به کاربردند و رهکار آنان مخالفت با اعتبار نامهها بود و با اعتبار نامههای



خودی و بیگانه از رسیدن وکلا به حد نصاب جلوگیری می‌کرد. (مستوفی، ۱۳۷۰: ۵۸۵-۵۸۶)

زمینه‌های جمهوری رضا خان

در اواخر پائیز ۱۳۰۲ ش سردار سپه که از موقعیت سیاسی و اجتماعی مناسبی در کشور برخوردار شده بود و کمال مطلوب همه روی کار آمدن دولت توانمند و با دوام بود که با انجام اصلاحات اساسی بتواند نظم و نسقی به کارها بدهد و از هرج و مرج جلوگیری کند. و این فکر از یک دهه قبل در افکار عمومی شکل گرفته بود و عنوان اصلی جراید گردید که در این دوره به نام جمهوری خواهی یک مرتبه بروز کرد. (بهار، ۱۳۷۱: ۳۰) ناکارآمدی دولت‌های کم عمر متوالی و آشکار شدن بی کفایتی و بی اعتنائی احمد شاه به کشور داری و تمایل شاه در سفر به اروپا موجب گردید رضاخان در صدد براندازی سلطنت قاجار و خلع احمد شاه که به جمع آوری پول و ثروت افتاده بود و مردم از اینکه شاه در گردآوری زر و فروش گندم با دیگر پول پرستان و ملک داران فرقی نداشت از او برآشفته بودند. (بهار، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۱) احمد شاه به اندازه‌ای به مساله کشور بی اعتنا شده بود که خرده گیران وی را تحقیر «احمد علاف» می‌نامیدند. و سردار سپه به خوبی دریافته بود که هر کاری بخواهد در کشور انجام دهد باید از مجرای قانون باشد و مقارن با فترت مجلس چهارم و گشایش مجلس پنجم واحزاب فعال در مجلس به دو دسته تجدد و سوسیالیست‌ها تقسیم شده بودند و سردار سپه هم امیدوار بود با افزایش تعداد نمایندگان هوادار او در مجلس هرچه بخواهد از مجلس بگذرانند. (مستوفی، ۱۳۷۰: ۵۸۵-۵۸۳)

اما تا پیش از سفر احمد شاه به اروپا در پاییز ۱۳۰۲ ش سردار سپه غیر از رسیدن به مقام رئیس الوزرائی فکری در سر نداشت آنچه که می‌کرد برای کسب مقام بود ولی بعد از آنکه احمد شاه برای آسوده کردن خیال خود از گرفتاری‌های مملکت داری



و آسودن در دیار فرنگ و احساس تغییر رفتار سردار سپه از خودش و از روی ترس که از وی داشت با توسل به وزیر جنگ حکم ریاست وزرای سردار سپه را امضاء و صادر کرد. (میلسپو، ۱۳۵۶: ۱۷۳) وی از راه عراق به اروپا رفت سردار سپه هم برای رفع هر گونه سوء تفاهمات و ابراز همدلی ظاهری با شاه مشروطه او را تا مرز بدرقه کرد همین که احمد شاه به بهانه معالجه به اروپا رفت موضوع تصرف تاج و تخت به کله سردار سپه افتاد (بهار، ۱۳۷۱: ۳۹) و به این فکر افتاد که در صورت مطرح شدن حکومت جمهوری آزادیخواهی به محض شنیدن این عنوان با وی همفکری و همراهی خواهند کرد؛ زیرا به تغییرات ایجاد شده در نظام‌های جمهوری در کشورهای اروپایی چون فرانسه و آمریکا علاقمند بودند. و به هر حال بیشتر از نظام سلطنتی طرفدار پیدا خواهد کرد و بلافاصله پس از بدست گرفتن حکومت به عنوان ریاست جمهوری حکمفرمایی خواهد کرد و پس از اینکه دو سه سالی با نام ریاست جمهوری که تا سلطنت در نزد ایرانی‌ها که اکثریتشان شاه دوست هستند یک قدم بیشتر فاصله پس می‌تواند برای همیشه حکومت را در ایران به نام خود ثبت کند و تلاش کرد با حمایت آزادیخواهان دو آتش و به پشتیبانی قوای قزاق و ارتش تحت فرماندهی‌اش ابتدا خود را به ریاست جمهوری رسانده بعداً سلطنت را قبضه کند و تاج و تخت را در خاندانش به میراث بگذارد. این مساله هوش فعال این افسر قزاق را ثابت می‌نماید. (مستوفی، ۱۳۷۰: ۵۸۴)

همزمان با این مخالفت‌ها بر ضد احمد شاه و اصحاب جراید مقالاتی که علیه شاه می‌نوشتند در تهران غوغای جمهوری بلند شد. (کرونین، ۱۳۸۳: ۱۱۱) عده‌ای از رجال کشور و کارمندان دولت با در دست داشتن پرچم جمهوری خواستار برقراری جمهوری در کشور شدند. روزنامه وقت چاپ اسلامبول در بهمن ۱۳۰۲ نوشته بود، سردار سپه نخست وزیر ایران در صدد افتاد به شیوه آتاتورک مصطفی کمال پاشا رژیم جمهوری



را تأسیس و خود را به ریاست جمهور انتخاب شود. (بهار، ۱۳۷۱: ۳۹) در زمان ریاست وزرایی سردار سپه و افتتاح مجلس پنجم در اسفند همان سال با تظاهرات جمهوری طلبی اوج گرفت و روزنامه‌های طرفدار سردار سپه با حرارت تمام به هواداری جمهوری و مخالفت با سلطنت قاجارها مقالات گوناگون می‌نوشتند و از کارهای او در جمع آوری ثروت (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۶۲) و احتکار گندم و بردن جواهرات سلطنتی به خارج از کشور با خود در صدد تخریب شخصیت و جایگاه احمد شاه در افکار عمومی برآمدند و به تحریکات و دستور مرکز به تلگراف‌های از فرماندهان لشکر که مطیع و علاقمند وزیر جنگ بودند از ولایات درباره تغییر سلطنت و حمایت از جمهوری به مجلس می‌رسید. مردم پیش از این به احمد شاه به خاطر همان خصلت‌های احمد شاه نسبت به او بی تفاوت و بدبین شده بودند و در بین مردم پایتخت به «احمد علاف» مشهور شده بود. (بهار، ۱۳۷۱: ۴۱)

این مساله با انتشار خبر بازگشت احمد شاه که از تلاش‌های انگلیسی و همدستان رضاخان که در صدد براندازی سلطنت قاجار برآمده بودند لذا به فکر بازگشت به وطن افتاده بود. شدت و حرارت بیشتری گرفت و با رایزنی‌هایی که با عده‌ای از رجال و سیاستمدان کرد و از بعضی از نمایندگان مجلس پنجم قول گرفته بود که ضمن ابراز مخالفت با احمد شاه یک جهت شده در مملکت به نام عموم ملت با پشتیبانی نظامیان تحت فرمان خود و نظمی این خواسته‌اش را در مجلس جنبه قانونی داده و اکثریت مجلس را به قبول جمهوری و سپس تغییر سلطنت در ایران متمایل سازد. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۶۲) برای این که روسای روحانی مرکز و ولایات را با این برنامه خود همراه کند و نظر آنان را نسبت به سلطنت احمد شاه و ولیعهد منصرف سازد و کارهایی را که در بهبود اوضاع امنیتی و حفظ آرامش در کشور انجام داده بود به میان می‌آورد که در مدت کوتاه ریاست وزرایی خود انجام داده بود و آن را با اقدامات پادشاهان

قاجار در طول مدت سلطنت شاه مقایسه کرد و کوشید که شاهزادگان قاجار غیر از ولیعهد را که از وی بیش از احمد شاه نفرت داشت. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۶۵-۳۶۳) تلاش در کسب آراء عمومی و جلب حمایت ملت و بی تأثیر کردن نفوذ روحانیون و درباریان مخالف خود که در میان مردم نفوذ بسیاری داشتند لذا برای این هدف به عنوان جمع آوری کمک به محرومین جامعه جشن باشکوهی با پرداختن هزینه آن در مدرسه نظام برپا کرد تا مردم تهران را به آنجا کشانده و هر روز با عده‌ای به آنجا می‌آمد و تبلیغات گسترده‌ای هم برای آن انجام داد که با تلاش مخالفان و عدم استقبال مردم نقشه رضا خان به خوبی اجرا نشد و از سویی محرمانه از وضع و خیالات احمد شاه در پاریس اطلاع حاصل می‌کند تا او به فکر بازگشتن به کشور و اداره کشور و حفظ تاج و تخت قاجار چگونه باید او را از این کار منصرف کند یا مانع آمدن او به داخل کشور گردد. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۳۶۷)

احمد شاه با ارسال تلگرافی به مجلس زمان آمدنش را به ایران معین کرد رضاخان هم تهدید کرد در صورت بازگشت احمد شاه از ورودش به ایران جلوگیری خواهد کرد و همزمان درگیری در مجلس میان نمایندگان موافق و مخالف با جمهوری و گرفتن رأی اعتماد از مجلس بالا گرفت و مدرس و همزمانش که در مجلس نفوذ بالایی داشتند و برکناری احمد شاه و برچیدن سلطنت قاجار را خلاف قوانین مشروطه دانست در صدد مقابله با رضاخان برآمد اما دریافت که چنین کاری سهل نخواهد بود؛ زیرا بی علائقی شاه به مشکلات کشور که در غرب سرگرم عیاشی است دشواری دفاع از وی حمایت امرای لشکرها از رضاخان و نگرانی از واکنش تند و کلای هوادار جمهوری که با دخالت نظامیان در انتخابات به مجلس راه یافته بودند از طرفی روابط گرم رضاخان با جمهوری خواهان و تشویق آنان با هزینه گزاف (بهار، ۱۳۷۱: ۴۲)، و کنسرت‌هایی که عارف شاعر ملی در حمایت از جمهوری در گراند هتل برپا می‌کرد



و حتی زنان جمعیتی به نام «نسوان جمهوریخواه» تشکیل می‌دادند و احساسات جمهوری خواهان به اندازه‌ای اوج گرفت که ایرانیان مقیم خارج تلگراف‌هایی از اروپا ارسال کردند و مدرس با نگرانی از این وضع منتظر ماند تا مجلس افتتاح و کار تصویب اعتبار نامه وکلا آغاز گردد و بهترین حربه‌اش را برای مقابله با طرح جمهوری یعنی رد اعتبار نامه وکلا و جلوگیری از رسیدن نمایندگان تا حد نصاب و عقیم ماندن تصویب لایحه جمهوری را عملی سازد. (خواججه نوری، ۱۳۶۷: ۷۷-۷۸) وقتی که دید وکلای تازه وارد (تجدد) قضیه را در جلسات اول تمام کنند تصمیم گرفت کار را به تعویق اندازد تا اکثریت نصف بعلاوه یک حاصل شود و همینکه متوجه شد مجلس دو نماینده برای تصویب طراح کسر دارد. اعتبار نامه مؤمن الملک مطرح شد به طور جدی با آن مخالفت کرد و بلافاصله اعتبار نامه فرد دیگر را رد کرد و با این حرکت نشان داد که چنانچه اعتبار نامه امام صادق هم مطرح می‌شد او مخالفت می‌کرد. بدینگونه مجلسی را از اکثریت انداخت و جمهوریخواهان را تسلیم خواست خود کرد (خواججه نوری، ۱۳۶۷: ۸۱-۸۲).

با واقعه سیلی خوردن مدرس به دست فرج اله بهرامی یکی از طرفداران سردار سپه باعث شد وکلای بیطرف به هواداران جمهوری پیوسته بودند از آنها جدا شدند و از مدرس حمایت نمودند. (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۸۶: ۷۴) تلاش مدرس برای جلوگیری از رسیدن تعداد نمایندگان حاضر در مجلس به حد نصاب برای تصویب لایحه جمهوری و تغییر سلطنت درگیری شدیدی در بیرون مجلس آغاز گردید. (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۸۶: ۷۵) که با تحریک و دستور مستقیم رضا خان، و به مخالفان جمهوری حمله کردند اما غائله با دخالت ریاست مجلس مؤمن الملک پیر نیا که نداشتن حد نصاب نمایندگان را اعلام کرده بود به پایان رسید و با کشیده شدن درگیری‌های نمایندگان مجلس به بیرون و انتشار آن در میان مردم و دیدار مدرس با مردم که به

شدت از اهانت به مدرس متحیر بودند. (مستوفی، ۱۳۷۰: ۵۹۷) رو به مجلس آوردند و در باغ بهارستان و محوطه مجلس که مملو از مردم شده بود با بلند کردن پرچم‌هایی که روی آن نوشته بود زنده باد سلطان احمد شاه مرده باد جمهوری شعار دادند «ما دین نبی داریم، جمهوری نمی‌خواهیم، ما تابع قرآنیم، جمهوری نمی‌خواهیم» و سردار سپه که دید کار به این آسانی پیش نخواهد رفت چند روز بعد به دیدار علمای بزرگ قم رفت و پس از بازگشت از دیدار مراجع برجسته قم آیت الله اصفهانی و حائری و نائینی با انتشار بیانیه‌ای که از زیرکی و موقعیت سنجی او حکایت می‌کرد.

در ۱۲ فروردین ۱۳۰۳ با صدور اطلاعیه‌ای خود را حافظ عظمت اسلام و استقلال ایران که با رعایت کامل مصالح مملکت و ملت بوده وهست معرفی کرد. و اعلام نمود «در این موقع افکار عام متشتت گردید و برای حفظ احترام مقام روحانیت ... عنوان جمهوری موقوف و از جمهوری صرف نظر می‌کنم». (مستوفی، ۱۳۷۰: ۶۰۱)

دلایل ناکامی جمهوری رضاخان

مخالفت جناح سنتی و روحانیت با القای خلافت و استقرار جمهوری در ترکیه که آن را جدا شدن دین از دولت اعلام کردند و در اعلامیه‌ای که در تهران منتشر شد جمهوری خواهان به تلاش برای حذف اسلام از طریق تغییر رژیم متهم شدند. (اتابکی، ۱۳۸۵: ۸۲) در گروه هواداران رضاخان شماری از روشنفکران اصلاح طلب مانند علی اکبر داور هرچند خواستار تشکیل یک دولت مقتدر نوگرا و مدرن بودند اما به این مساله هم باور داشتند که کشور آماده جمهوری نیست همچنین در میان افسران قزاق بودند افسرانی که در جریان جمهوری خواهی ترجیح دادند از وی فاصله بگیرند. و از سویی برنامه ناسنجیده رضاخان و اجرای شتابان جمهوری و فقدان پیشینه عمیق جمهوری در ایران به عکس نظام سلطنتی همان گونه که در آستانه طرح تغییر رژیم قاجار گفته بود. مردم به لحاظ تاریخی، شاه دوست هستند و به گفته علی دشتی، طرح



جمهوری در ایران زود بود در مقام عمل معلوم شد که همه حساب‌ها غلط از آب درآمد. (دشتی، ۱۳۵۴: ۱۳۲)

بی سوادی جامعه ایران و نفوذ مذهب روحانیون که جمهوری را مساوی با بی دینی می‌دانستند و رفتار نادرست جمهوریخواهان در مجلس و ناپخته بودن فکر آن در آغاز طرح جمهوری از دلایل دیگر ناکامی آن می‌باشد. (بهار، ۱۳۷۱: ۴۱) ترویج جمهوریت از همان فکرهای کاملاً جدیدی بود که رسوخ و نفوذ آن مستلزم مهارت و دقت و ظرافت بسیار است که در ایران آن زمان با مخالفت‌های مواجهه شد. زیرا وارد کردن یک فکر جدید و بی سابقه در جامعه یکی از خطرناک‌ترین و مشکل‌ترین کارهاست. (خواجه نوری، ۱۳۶۷: ۶۹) جالب اینکه، آیت الله خمینی، مخالفت مدرس با جمهوری رضاخان اشتباه می‌داند و استدلال می‌کند چنانچه با تغییر رژیم و ایجاد جمهوری مخالفت نمی‌کرد دودمان پهلوی رویکار نمی‌آمد زیرا در نظام جمهوری قدرت مافوق با پارلمان است که ریاست جمهوری مکلف به پیروی از مجلس می‌باشد و دلیلی نداشت که مدرس، قدرت مجلس را در برابر رئیس جمهور نادیده گرفت. (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۹۹) علت دیگر مشروعیت نهاد سلطنت در قانون اساسی مشروطه و هم در اندیشه سیاسی شیعه و مخالفان جمهوری (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۱۵)، همانگونه که مدرس می‌گفت با جمهوریت ایران به این دلیل مخالفم زیرا علاوه بر آنکه جمهوریت با طریقه جعفری مناسب نیست ملت هر روز گرفتار دسته بندی برای انتخاب رئیس جمهوری نمی‌شود (حلاج، ۱۳۳۵: ۱۹۵) و زمینه اختلاف گسترش می‌دهد.

نتیجه گیری

اندیشه جمهوری خواهی موجب ظهور انقلاب‌های سیاسی ° اجتماعی بزرگی در ملت‌های اروپای غربی گردید و به ایجاد حکومت دموکراتیک به جای رژیم‌های سلطنتی در قرون جدید اروپا منجر شد؛ همانند جمهوری انگلستان و آمریکا و فرانسه و تاسیس مجلس مشورتی یا پارلمانی که خود متأثر از نظریات متفکران بود و پس با ظهور انقلاب‌های بزرگی چون انقلاب بزرگ فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه تزاری در سایر کشورهای جهان و مشرق زمین از جمله ایران رواج و گسترش چشمگیری یافت و هواداران بسیاری را به خود جلب نمود و به عنوان حکومت جایگزین نظام سلطنتی، اجتماعی، سلطنتی که به شیوه‌ای خودکامه و مطلقه در جوامع آن زمان هر گونه آزادی فردی و اجتماعی را از مردم سلب کرده بود مطرح شده و به موازات ارتباط و مناسبات ایرانیان با غرب موجب تحولات سیاسی و اجتماعی ایران شد و حتی در نوشته‌های نخستین اندیشه گران عصر قاجار متجلی شد و به دنبال این تحولات با توجه به ساخت استبدادی رژیم قاجار فکر تغییر شیوه حکومت از سوی متفکرانی نظیر میرزا ملکم خان و مستشارالدوله در ایران سر زبان‌ها افتاد. پس از استقرار نظام مشروطه، عدم تحقق آزادی‌های فردی زمینه ساز انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی که عمدتاً با انگیزه دموکراتیک و جمهوری یا اجرای دقیق قوانین شد. جامعه ایرانی از جهات سیاسی و فرهنگی در دوره رضاخان آماده پذیرش جمهوری نبود برقراری نظام پیشرفته سیاسی جمهوری مستلزم فراهم شدن شرایط آن در بستر زمان بود.

چنین بستری در واقع می‌بایست از سوی اندیشمندان و روشنفکران ایرانی فراهم می‌شد. در ماجرای جمهوری خواهی روشنفکران کشور نسبت به جمهوری اتفاق نظر نداشتن و حتی آن دسته از روشنفکران که طرفدار نظام جمهوری بودند نقش پر رنگی هم ایجاد نکردند. مخالفت روحانیون نیز نقش بسزایی در شکست جمهوری خواهی



داشت؛ در واقع سردار سپه و طرفداران جمهوریت نتوانستند اصمینان خاطر روحانیون را درباره مغایرت نداشتن جمهوری با دین اسلام فراهم آوردند و به خاطر مخالفت روحانیون، مردم نیز با جمهوری مخالفت کردند و این را نشان می‌دهد که نفوذ روحانیون بیشتر از روشنفکران بود از این رو ایجاد جمهوری نه به دلیل ماهیت ذاتی آن، بلکه به خاطر سوء استفاده‌های صاحبان قدرت در جهت منفعت خود مورد سوء ظن قرار گرفت و از طرف مردم و روحانیون رد شد تا این که در جمهوری اسلامی زمینه برای تحقق هر چه بهتر و درست تر دموکراسی و جمهوری خواهی با مبنای اسلامی و ایرانی فراهم شد.



منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند و حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز، چ ۱۲.
- آپتون، ژوزف (۱۳۵۹). نگرشی بر تاریخ ایران نوین، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نیلوفر.
- اعزاز نیک پی، عزیزالله (۱۳۴۷). تقدیر یا تدبیر (خاطرات)، تهران: ابن سینا.
- البصری، علی (۱۳۵۰). یادداشت‌های اعلی حضرت رضا شاه کبیر در زمان ریاست الوزرای و فرماندهی کل قوا، ترجمه شهرام کریملو، تهران: ستاد ارتش.
- امانت، عباس (۱۳۸۳). قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۵). تجدد آمرانه جامعه و دولت در عصر رضا شاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- بهار، محمد تقی (ملک الشعراء) (۱۳۷۱). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران یا انقراض قاجاریه، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۴.
- تقی زاده، سید حسن (۱۳۳۶). زمینه انقلاب مشروطیت ایران (سه خطابه)، بی جا: گام، چ ۲.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۷). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر، چ ۲.
- حلاح، حسن (۱۳۳۵). تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: انتشارات جعفری.
- خلیلی خو، محمد رضا (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی در ایران دوره رضا شاه، تهران: جهاد دانشگاهی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره))، ج ۸، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- خواجه نوری، ابراهیم (۱۳۶۷). **بازیگران عصر طلایی** (سید حسن مدرس)، تهران: جاویدان، چ ۳.
- دشتی، علی (۱۳۵۴). **پنجاه و پنج**، تهران: امیر کبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). **حیات یحیی**، جلد یکم، تهران: عطار، چ ۶.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۷۷). **چالش سلطنت و جمهوری در ایران**، تهران: مرکز.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۸). **پلیس خفیه در ایران مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی (۱۳۲۰-۱۲۹۹)** ش، تهران: ققنوس، چ ۲.
- سیاح، حاج سیاح (۲۵۳۶). **خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت**، بکوشش حمید سیاح، تصحیح سیف اله گلکار، تهران: سپهر، چ ۲.
- شجیعی، زهرا (۱۳۶۹). **نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- شوئل آل، فرانک (۱۳۶۳). **آمریکا چگونه آمریکا شد**، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: امیر کبیر، چ ۲.
- شریف القرشی، باقر (۱۳۶۹). **نظام حکومتی و اداری در اسلام**، ترجمه عباسعلی سلطانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). **نخست وزیران ایران**، تهران: جاویدان.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۶). **سردار جنگل**، تهران: جاویدان، چ ۱۱.
- فونتانا، بیانکاماریا (۱۳۸۰). **ابداع جمهوری مدرن**، ترجمه و ویراستار محمد علی موسوی فریدنی، تهران: نشر پژوهش.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۸). **ناسیو نالیسم در ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر، چ ۲.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳). **شکل گیری ایران نوین دولت و جامعه در دوران رضا شاه**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). **قیام خیابانی**، با مقدمه محمد علی همایون کاتوزیان، تهران: مرکز، چ ۲.

مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۳). جمهوری خواهی در ایران، تهران: قومس.
مورا، آندره (۱۳۶۶). تاریخ انگلستان از آغاز تا امروز، ترجمه عنایت اله شکیبایی
پور، تهران: جمهوری، چ ۳.
مکی، حسین (۱۳۵۸). مدرس قهرمان آزادی، ج ۱، تهران: بنگاه و نشر کتاب.
مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، ج ۳،
تهران: زوار، چ ۵.
میلیسپو، آرتور چستر (۱۳۵۶). مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه حسین
ابوترابیان، تهران: پیام.
وثوقی، احمد (بی تا). داستان زندگی خاطراتی از پنجاه سال تاریخ معاصر (۱۳۴۰-
۱۲۹۰) ش، تهران: افست.
کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان
سلسله پهلوی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
هروی بصیر الدوله، رضا (۱۳۷۲). دو سال روابط محرمانه احمد شاه و سفارت
شوروی، به کوشش مجید تفرشی، تهران، نشر تاریخ ایران.
امین، حسن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۷۱-۱۷۲.